

آلبر کامو

سوء تفاهم

(نمایشنامه در سه پرده)

www.ketab.ir

برگردان از متن فرانسه:

پرویز شهبادی



-
- سرشناسه: کامو، آلبر، ۱۹۱۳ - ۱۹۶۰ م. Camus, Albert
عنوان و نام پدیدآور: سوء تفاهم / آلبر کامو؛ برگردان از متن فرانسه: پرویز شهدی.
مشخصات نشر: تهران: نشر به سخن، ۱۴۰۰ خورشیدی.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک: 978 - 600 - 7987 - 51 - 3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: **Le malentendu, 1972**
موضوع: نمایشنامه فرانسه - قرن ۱۹ م.
French drama - 19th century
شناسه افزوده: شهدی، پرویز، ۱۳۱۵ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره: PQ2۶۳۴ / الف ۸۳ س ۹ ۱۳۹۸
رده‌بندی دیویی: ۸۴۲/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۲۹۷۳۵
-



نشر به سخن

سوء تفاهات

آلبر کامو

برگردان از متن فرانسه: پرویز شهدی

چاپ نخست، تهران، ۱۴۰۰ ه. ش.

۱۵۰۰ نسخه

حروف نگار و صفحه‌آرا: اصغر قلیزاده

تصحیح و نمونه‌خوان: ناهید ابراهیمی

لیتوگرافی مهر، چاپ عطا، صحافی کیمیا

طرح جلد: محسن سعیدی

تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۷-۵۱-۳

آدرس دفتر: تهران، خ ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۱، واحد ۲

تلفن: ۶۶۹۷۸۴۵۳ - ۶۶۴۹۵۷۱۳ - ۶۶۴۹۱۵۸۸

www.majidpub.com

Telegram & Instagram: @majidpub

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار گزارنده
۱۳	پرده‌ی نخست
۵۵	پرده‌ی دوم
۸۳	پرده‌ی سوم

www.ketab.ir

پیش‌گفتار گزارنده

درباره‌ی کامو، طرز فکر، اندیشه‌ها و آثارش با آن همه تضادهایی که در آن‌ها به چشم می‌خورند، بسیار گفته و نوشته و اظهار عقیده شده است. عده‌ای او را آدمی بدبین، منفی‌باف و پوچ‌گرا دانسته‌اند که برای زندگی هیچ ارزشی قایل نیست و انسان را موجودی محکوم می‌داند که ناخواسته و بدون میل و اراده‌ی خودش یا به این دنیا گذاشته، بدون میل و اراده‌ی خودش هم از دنیا می‌رود و خیلی زود هم فراموش می‌شود. این عده به سرگذشت خود او و زندگی مشقت‌بار دوران کودکی‌اش، به‌ویژه به بیماری سل که گریبان‌گیرش شده و باعث می‌شود علیه نظام حاکم نه در کشور خودش، بلکه در همه‌ی دنیا به‌پا خیزد، اشاره می‌کنند. البته در این‌که کامو انسانی متمرّد و سرکش بوده شکی نیست، ولی تمرد و سرکشی در برابر کی و چی؟ پس آن تعریف‌های دل‌پذیر از طبیعت، از عشق میان انسان‌ها، از گذشت‌ها و فداکاری‌هایی که در آثارش به چشم می‌خورند از کجا سرچشمه گرفته‌اند؟ درست است که در پاره‌ای از نوشته‌هایش آثار نومییدی و بدبینی احساس می‌شود، درست است که واژه‌های بیهودگی و پوچ‌گرایی را خیلی وقت‌ها به کار می‌برد، اما بیهودگی

و پوچ بودن چی؟ و طغیان در برابر کی و چه نظامی؟ اگر حافظ بزرگوار می‌گوید:

من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب‌آبادم

آدم بدبینی است که می‌خواهد چون مرغ باغ ملکوت، هرچه زودتر از این تخته‌بند بدن رها شود؟ اگر کامو هم آدمی پوچ‌گرا و منفی‌باف بود، چرا طغیان کند، چرا دست به مبارزه بزند، چرا جانش را به خطر بیندازد، به نهضت مقاومت بپیوندد و با اشغال‌گران ددمنش نازی دست‌وپنجه نرم کند؟

و اما این نمایشنامه که چهار شخصیت اصلی و یک فرعی دارد، آمیزه‌ایست از ویژگی‌های اخلاقی همه‌ی آدم‌ها در این دور و زمانه، گرفتار در چنبره‌ی زندگی ماشینی، زیاده‌خواهی و سیطره‌ی خوفناک سرمایه‌داری که تولید می‌کند و آدم‌ها را وادار به مصرف. مصرف هم پول می‌خواهد و پول به دست آوردن هم از راه شرافت‌مندانه تلاش و کوشش شبانه‌روزی لازم دارد و از راه غیرشرافت‌مندانه، دزدی، تقلب و جنایت. از چهار شخصیت اصلی، سه نفرشان یعنی مادر و دختر و پسر، جزو خطاکارها هستند، پسر در نوجوانی مادر و خواهر کوچکش را ترک می‌کند و طی بیست سال جدا بودن از آن‌ها، و با اطلاع از این‌که وضع مالی خوبی ندارند، نه خبری از خودش به آن‌ها می‌دهد و نه کمک مالی می‌کند. خوی ددمنشی در مادر از همه قوی‌تر است، دختر دست‌کم این بهانه را دارد که می‌خواهد از این سرزمین غم‌زده و افسرده‌کننده بگریزد و

(جز این که تظاهر می کند خوشبختی دخترش را می خواهد که چندان هم حقیقت ندارد)، بی رحمانه دست به جنایت می زند و این خوی ددمنشانه حتا باعث می شود پسرش را به جا نیاورد، حال آن که غریزه ی مادری که آن همه در زن قوی است چنین فرضیه ای را رد می کند. پسر به حساب خودش می خواهد مادر و خواهرش را حیرت زده کند و با ثروتی که به دست آورده آن ها را خوشبخت سازد. ولی راه را عوضی می رود. همسرش هم با همه ی اظهار عشقی که به او می کند، یک جای کارش می لنگد و گرنه کدام زن عاشقی است که از مرگ شوهرش باخبر شود و رودرروی قاتلش این قدر کوتاه بیاید، حتا دست کم به او نپرد و آن طور که خودش می گوید صورتش را با ناخن پاره پاره نکند؟ خدمتکار که نقش سیاهی لشکر را دارد، حرفش را در پایان ماجرا و کاملاً قاطعانه می زند. گفته شده ماجرای این نمایشنامه و همچنین رمان بیگانه به راستی اتفاق افتاده اند و کامو خبرشان را در صفحه ی حوادث روزنامه ها خوانده است. امکان دارد ولی زیاد هم نمی توان به آن تکیه کرد.

در هر صورت این قوه ی تخیل بی اندازه قدرت مند و جهان بینی شگرفش است که باعث می شود، کودکی یتیم که هرگز پدر به خود ندیده، سال ها با تهی دستی دست به گریبان بوده، بیماری سل تهدیدش می کرده و شاهد رنج بردن ملت ستم دیده ای زیر یوغ استعمار بی رحمانه ی هم وطنانش بوده، چنین شاهکارهایی ماندنی و همیشگی بیافریند. حیف که به قول یکی از بزرگان: «آنان که خدایان دوست شان دارند، در جوانی می میرند.»^۱ زود چهره در خاک کشید و گرنه چه آثار

۱. نقل از پیش گفتار طاعون ترجمه ی زنده یاد رضا سیدحسینی.

ارزنده‌ی دیگری که به ادبیات جهانی افزوده نمی‌شد و بشریت را از آن‌ها بهره‌مند نمی‌کرد.

پرویز شهدی

بهمن ۱۳۹۷ خورشیدی